

Received: 2023/1/19

Accepted: 2023/7/14

from 41 to 64

Shamseddin Rezaei

Associate Professor of Sport Management, Department of Physical education, Ilam University, Ilam, Iran
sh.rezaei@ilam.ac.ir

Keywords:

Teaching General Courses of the Theoretical Foundations of Islam, Spiritual Intelligence, Exam Anxiety, Students of Physical Education and Sports Sciences.

The Educational Effects of Teaching General Courses of Theoretical Foundations of Islam on Spiritual Intelligence and Exam Anxiety of Physical Education and Sports Science Students of Ilam University

Abstract

Fostering religiosity and spirituality among students holds paramount importance in the cultivation of exceptional individuals, self-enhancement, and community development. Consequently, this study aimed to explore the impact of instructing comprehensive courses on the theoretical underpinnings of Islam on both spiritual intelligence and examination-related anxiety. Employing a semi-experimental pre-test-post-test design with a control group, the research drew its participants from the undergraduate body of Ilam University's Department of Physical Education and Sports Sciences, totaling 96 individuals. From this pool, 30 students, divided into experimental (15 participants) and control (15 participants) groups, were selected using an available and voluntary sampling method. Data collection encompassed two approaches: documentary and field studies. For the background and theoretical framework of the research, a document study methodology was adopted. Data collection also featured the utilization of two standardized questionnaires: King's Spiritual Intelligence (2008) and Spielberg's Test Anxiety Questionnaire (1980), each of which underwent validation and reliability confirmation. Subsequent data analysis involved the application of Univariate Covariance and Multivariate Covariance statistical tests via SPSS version 24 software. The research findings indicated a significant disparity between the experimental and control groups, with a 95% confidence level, following the instruction of general courses on the theoretical foundations of Islam, particularly in the realm of spiritual intelligence. However, no notable difference was observed in terms of test anxiety. In conclusion, the pedagogical delivery of general courses on the theoretical foundations of Islam directly and substantially elevates the spiritual intelligence of students majoring in physical education and sports sciences within the experimental group. Conversely, this instructional approach does not significantly impact their examination-related anxiety. Consequently, the integration of general courses on Islamic theoretical foundations represents a viable means for enhancing students' spiritual intelligence, thereby offering a valuable intervention tool for academic institutions seeking to augment their students' spiritual well-being.

آثار تربیتی آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام بر هوش معنوی و اضطراب امتحان دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه ایلام

شمس‌الدین رضایی

دانشیار مدیریت ورزشی، گروه
علوم ورزشی، دانشگاه ایلام، ایلام،
ایران.

sh.rezaei@ilam.ac.ir

چکیده

ترویج دین‌داری و معنویت در میان دانشجویان امری بسیار مهم و بااهمیت در تربیت شخصیت‌های برجسته، خودسازی و جامعه‌سازی است؛ بنابراین، هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام بر هوش معنوی و اضطراب امتحان دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه ایلام بود. روش پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی از نوع طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل همه‌ی دانشجویان مقطع کارشناسی رشته‌ی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه ایلام به تعداد ۹۶ نفر است که از این تعداد ۳۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و داوطلبانه در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) به‌عنوان نمونه انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده گردید، بدین ترتیب که به‌منظور جمع‌آوری پیشینه و مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای و برای گردآوری داده‌ها از دو پرسش‌نامه‌ی استاندارد هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) و پرسش‌نامه‌ی اضطراب امتحان اسپیلبرگر (۱۹۸۰) استفاده شد که روایی و پایایی آن‌ها نیز تأیید گردید. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون آماری تحلیل کوواریانس تک‌متغیره و چندمتغیره به کمک نرم‌افزار SPSS vol.22 استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که میان دو گروه آزمایش و کنترل (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) پس از آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام، در متغیر هوش معنوی تفاوت معناداری وجود داشت؛ اما در متغیر اضطراب امتحان تفاوت معناداری مشاهده نشد؛ بنابراین، آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام بر هوش معنوی دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی گروه آزمایش تأثیر مستقیم و معناداری دارد؛ اما بر اضطراب امتحان آنان تأثیر معناداری ندارد؛ پس آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام می‌تواند باعث افزایش هوش معنوی دانشجویان شود؛ بنابراین، مدیران فرهنگی دانشگاه‌ها می‌توانند از این روش مداخله به‌منظور افزایش هوش معنوی دانشجویان استفاده کنند.

واژگان کلیدی:

آموزش دروس عمومی مبانی نظری
اسلام، هوش معنوی، اضطراب
امتحان، دانشجویان تربیت‌بدنی و
علوم ورزشی.

در چرخه‌ی زندگی بیشتر افراد دوره‌ی مهمی وجود دارد که زمینه‌ساز ترقی و آغاز پختگی برای زندگی و آینده‌ی فرد است و به دوره‌ی دانشجویی موسوم است. در این دوران، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی در شخصیت دانشجویان شکل می‌گیرد و دانشجویان زندگی سالم، قانون‌مدار و بر اساس تعامل و نظم را یاد می‌گیرند. دانشجویان در این دوران با عضویت در کانون‌های صنفی، انجمن‌های علمی و تشکل‌های سیاسی، با کسب تجربه‌های گران‌بها، تعلقات خود را کشف می‌کنند و به علت روحیه‌ی مطالبه‌گری و آرمان‌گرایی، نظارت عمومی بر دستگاه حکمرانی اعمال خواهند کرد (رضایی و تراوش، ۱۳۹۹، ص ۶۴). نظام آموزش کشور همواره مورد توجه امام خمینی^(ع) بوده است و به جامعه‌ی دانشگاهیان به‌ویژه دانشجویان، برای مقابله با دسیسه‌ها و توطئه‌های داخلی و خارجی هشدار داده است، تأکیدات فراوانی بر حاکمیت و نفوذ فرهنگ اسلامی در دانشگاه‌ها دارد و نسبت به تربیت انسان الهی، خودباوری و خوداتکایی علمی و فرهنگی برای تحقق استقلال مکرراً توصیه‌های خطیری کرده است (پرتال امام خمینی، ۱۴۰۱/۹/۱۷، کد خبر ۴۹۳۵۱). به عقیده‌ی امام خمینی^(ع) دانشگاه‌ها، دانش‌سراها و مراکز آموزشی از جمله مهم‌ترین و حساس‌ترین مراکز هستند که نقش عمده‌ای در استقلال یا وابستگی کشور دارند؛ زیرا بیشتر مدیران و مسئولان جامعه از میان فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت انتخاب می‌شوند؛ از این رو، این مراکز همواره مورد تهاجم و یورش فرهنگ سلطه در جهان قرار گرفته است تا از این طریق، با پرورش دست‌نشاندها و مهره‌های خود، آینده‌ی کشور را به نفع خود رقم بزنند (صحیفه‌ی امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۷۹). دانشجویان رشته‌ی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی از این قاعده مستثنا نیستند و ورود به دانشگاه و زندگی دوره‌ی دانشجویی بخش مهمی از تجربه‌ی زیسته‌ی آنان است. محیط برجسته و متفاوت دانشگاه و اماکن ورزشی و همچنین تنوع متغیرهای پیرامونی جدید، زمینه‌ساز بروز قابلیت‌ها و توانایی‌های فراوانی است که ممکن است دانشجویان را در معرض افکار و رفتارهای جدیدی قرار دهد.

یکی از ظرفیت‌های مثبت در سلامت و کیفیت دوره‌ی دانشجویی توجه ویژه به موضوع معنویت است. به عقیده‌ی بسیاری از پژوهشگران، معنویت پارادایمی جدید در محیط کار است که برگرفته از فیزیک کوانتوم، نظریه‌ی آشوب، علوم سایبرنتیک، علوم شناختی، مذاهب و آیین‌های شرقی و غربی است و در واقع، واکنشی به پارادایم خشک و مکانیستی مدرن است (نیازآذری و سروآبادی، ۱۳۹۳، ص ۴۶). از دیدگاه بیکر^۱ (۲۰۰۳)، معنویت سه بعد فراروندگی^۲ (این بعد نمایانگر دیدگاه یک کودک به محیط اطراف و ادراک حیرت‌انگیز آن از دنیا است؛ همچنین این بعد نشان‌دهنده‌ی وجود نیازی برای معناست که می‌تواند مؤلفه‌های فلسفی یا مذهبی داشته باشد)، بعد فرافردی^۳

1- Biker

2- Transcendent

3- Transpersonal

(این بعد اشاره به دیدگاه و نظر فرد نسبت به خود و دیگران از منظر بلوغ دارد که خود شامل دو مؤلفه‌ی درون‌روانی و بین‌فردی است) و بعد انتقال (در این بعد فرد در جایگاه یک والد قرار می‌گیرد که باید ارزش‌ها، اخلاقیات، دانش و مهارت‌هایی را که خود در طول زندگی کسب کرده است، به نسل بعد منتقل نماید) دارد (به نقل از سهرابی و ناصری، ۱۳۹۱، ص ۷۲)؛ همچنین با مطرح شدن معنویت به‌عنوان بعد چهارم از سلامت انسان‌ها و نیز تعریف سازمان جهانی بهداشت^۱ از سلامتی به بهزیستی کامل زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی، توجه به بعد معنوی و رشد آن در انسان‌ها به‌صورتی روزافزون مورد توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی قرار گرفته است (انصاری‌نژاد و رستگار، ۱۴۰۱، ص ۲). از سوپی، هوش عاملی است که توانایی‌های فرد را برای مقابله با مشکلات و حل‌مدرانه‌ی آن‌ها تقویت می‌کند و بر اساس نظریه‌های روان‌شناسی، مقوله‌ای متنوع و چندگانه است (همان، ص ۳). عبارت هوش معنوی را نخستین بار زوهر و مارشال^۲ (۲۰۰۰) و کمی پس از آن، ایمونز^۳ (۲۰۰۰) مطرح کردند. آنان اعتقاد داشتند، هوش معنوی^۴ با یکپارچه کردن هوش عقلانی و هوش هیجانی، تعامل میان فرایندهای تفکر منطقی و هوش هیجانی را تسهیل می‌کند و موجب رشد و توسعه‌ی فرد می‌شود. هوش معنوی به توانایی به‌کارگیری معنویت برای حل مشکلات روزمره و فرایند دستیابی به اهداف اطلاق می‌گردد (ایمونز، ۲۰۰۰، ص ۵۹). هوش معنوی شامل یک نوع سازگاری و رفتار حل مسئله است که دربرگیرنده‌ی سطحی از توسعه‌یافتگی در حوزه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، فردی و غیره است و به هماهنگی و تعامل با جهان اطراف و دستیابی به یکپارچگی ابعاد بیرونی و درونی فرد کمک می‌کند که درنهایت، دیدگاهی جامع درباره‌ی زندگی، تجربه‌ها و حوادث پیرامونی را در اختیار افراد قرار می‌دهد و آنان را به انجام تفسیری مطلوب از تجارب خود قادر می‌سازد و شناخت عمیق‌تری از اصول و ملاحظات انسانی را موجب می‌گردد (شریف‌نیا و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۹۷). به عقیده‌ی آمرام^۵ (۲۰۰۵، ص ۳۲)، هوش معنوی باعث می‌شود، فرد در برابر مشکلات و چالش‌های زندگی بینش عمیق‌تری پیدا کند و از مشکلات هراسی نداشته باشد. افرادی که هوش معنوی بالاتری دارند، در زمان بحران با توکل به یک نیروی ماورایی، قدرت تجزیه‌وتحلیل بهتری نشان می‌دهند و فشارهای روحی و روانی را بهتر تحمل می‌کنند. از دیدگاه کینگ^۶ (۲۰۰۸، ص ۴۳)، هوش معنوی شامل مجموعه‌ای از ظرفیت‌های ذهنی است که در وحدت، یکپارچگی و کاربرد انطباقی جنبه‌های غیرمادی و مافوق هستی فرد و رسیدن به نتایجی از قبیل اندیشه‌ی وجودی عمیق، بهبود معنا و شناخت خویش کاربرد دارد. به عقیده‌ی کینگ (۲۰۰۸، ص ۵۲)، هوش معنوی شامل چهار بعد تفکر

1- World Health Organization (WHO)

2- Zohar & Marshall

3- Emmons

4- Spiritual Intelligence

5- Amram

6- King

انتقادی وجودی (شامل ظرفیت تفکر انتقادی وجودی نسبت به متافیزیک و مربوط به هستی، دنیا، فضا، زمان، مرگ و ...)، ایجاد معنای شخصی (شامل توانایی استفاده از تجارب فیزیکی و روانی برای ایجاد معنا و هدف شخصی)، آگاهی متعالی (شامل توانایی شناسایی مؤلفه‌های متعالی خویشتن، جهان و دیگران با استفاده از هوشیاری) و توسعه‌ی موقعیت هوشیاری (شامل توانایی ورود به موقعیت‌های معنوی مطلوب‌تر مانند تفکر عمیق، نیایش و مراقبه و خروج از آن) است.

اضطراب بخش مهمی از زندگی دوره‌ی دانشجویی است؛ بخشی که مانند سایر قسمت‌های زندگی عاری از آثار اضطراب نیست. اضطراب در بعضی مواقع باعث سازندگی و خلاقیت و بالعکس، در مواقعی دیگر فرد را از شکوفایی بسیاری از استعدادهایش محروم می‌کند و طیف گسترده‌ای از مسائل و مشکلات را پدید می‌آورد (ورمزیاری و گلپور، ۱۴۰۱، ص ۲). در بعضی از مواقع ممکن است عملکرد دانشجویان در جلسه‌ی امتحان تحت تأثیر اضطراب قرار گیرد که این امر نباید باعث شود دانشجویان فکر کنند یادگیری صورت نگرفته است. آنان ممکن است جواب سؤال‌ها را به‌خوبی یاد گرفته باشند؛ اما اضطراب ناشی از جلسه‌ی آزمون باعث ناتوانی آنان در جواب دادن کامل به سؤالات شود. امروزه پیشرفت اغلب ما تحت تأثیر نتایج عملکرد در آزمون‌های مختلف زندگی قرار می‌گیرد و به‌طور طبیعی، وقتی آزمون دادن جزئی از زندگی روزمره‌ی ما شده باشد، نگران نتایج آن‌ها نیز خواهیم گشت. اضطراب امتحان نوعی اضطراب اجتماعی است که فرد را درباره‌ی استعدادها و توانایی‌هایش دچار تردید می‌کند و نتیجه‌ی آن کاهش توان مقابله با موقعیت‌های حساس مانند امتحان است (شیدایی‌ا قدم و فاطمی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۶۷). اضطراب امتحان شامل پاسخ‌های شناختی، رفتاری، اجتماعی و جسمی است که در ارتباط با نگرانی از کسب نتایج ضعیف همراه با عملکرد نامناسب در موقعیت‌های نظارت و ارزیابی به‌وجود می‌آید (زیدنر^۱، ۲۰۰۸، ص ۱۶۵). اضطراب امتحان نوعی نشخوار ذهنی است که با خودسرزنش‌گری و تردید درباره‌ی توانایی‌ها و استعدادهای فردی مشخص می‌شود و اغلب به ارزشیابی شناختی منفی، واکنش فیزیولوژیک نامناسب، تمرکز نداشتن حواس و افت تحصیلی معنادار منجر می‌گردد و نقش بازدارنده و مخربی در سلامت روانی دانشجویان ایفا می‌کند (پورمن و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۸۶). اضطراب امتحان به‌عنوان یک حالت نگرانی، پریشانی و هیجان‌پذیری در زمانی که شخص یک موقعیت را به‌صورت تهدید ارزیابی می‌کند، تعریف شده است. آنان ممکن است در مواقعی که رفتار و عملکردشان را ضعیف ادراک و احساس می‌کنند، شکست را محتمل یا احساس تهدید کنند (گریگور^۲، ۲۰۰۵، ص ۶۱۷). هریس و کوی^۳ (۲۰۰۳، ص ۷۶) اظهار داشتند که اضطراب امتحان از سه بخش شناختی، رفتاری و عاطفی تشکیل شده است و می‌تواند بیان‌کننده‌ی مطالعه‌ی ناکافی، تعلل‌ورزی و یا نداشتن مهارت‌های لازم برای انجام امتحان باشد. بدین ترتیب، دانشجویانی که اضطراب امتحان بالایی را

1- Zeidner

2- Gregor

3- Harris & Coy

تجربه می‌کنند، چه در زمان مطالعه‌ی دروس و چه در زمان شرکت در آزمون، مهارت‌های مطالعه و یادگیری خود را پایین‌تر از حد توان و دانش خود مورد استفاده قرار می‌دهند (آنیسا و میراندا^۱)، ۲۰۱۱، ص ۹۳). این مسئله معمولاً تنها به امتحان مربوط نمی‌شود، دانشجویانی که اضطراب امتحان بالایی دارند، دوران تحصیلی آنان بیشتر طول می‌کشد و نگرانی‌های اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند و نیز مشکلات رفتاری و روانی بیشتری خواهند داشت (شفر^۲ و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۲۸۹). وینمن^۳ (۲۰۰۸، ص ۷۷) عنوان می‌کند که اضطراب امتحان دو نوع است: نوع اول مربوط به کمبود مهارت‌های فراشناختی است و نوع دوم مربوط به افرادی می‌شود که افکار نامرتبط و مزاحم باعث تداخل‌های فراشناختی در آنان می‌شود و از به‌کار گرفتن مهارت‌های فراشناختی ناتوان می‌گردند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اضطراب امتحان مانع پیشرفت دانشجویان در انجام تکالیف محوله شده و یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در عملکرد تحصیلی ضعیف دانشجویان در مقاطع تحصیلی مختلف است (کانگ و مین^۴، ۲۰۱۹، ص ۱). درنهایت، اضطراب امتحان بر توانایی تمرکز و حافظه‌ی دانشجویان تأثیر می‌گذارد، یادآوری و بازخوانی موضوعات مختلف آموخته‌شده را سخت و یا غیرممکن می‌نماید و اجازه نمی‌دهد که دانشجویان استعدادها و توانایی‌های آموزشی و هوشی واقعی خود را بروز دهند.

در عصر حاضر، دین به‌عنوان یک حقیقت کاربردی برای نظارت بر رفتارهای فردی، گروهی و اجتماعی افرادی مانند دانشجویان مورد توجه قرار گرفته است. دین مبین اسلام بر پایه‌ی اصول بنیادین توحید، معاد، نبوت، عدل و امامت استوار شده و از دیدگاه قرآن کریم، ایمان و باور به آموزه‌های اعتقادی و مبانی نظری اسلام جایگاه ویژه‌ای در نظام رفتاری فرد و جوامع دارد. هدف اسلام از عبادت، برداشتن پرده‌های غفلت از یاد خدا و یادآوری روز قیامت است؛ زیرا این موازین در حیات اخروی انسان تأثیر به‌سزایی دارند. آنچه دین مبین اسلام انسان‌ها را به آن دعوت می‌کند، حضور خداوند در اعماق زندگی انسان است. توحیدی که در دین اسلام به آن امر شده، توحیدی ذاتی است که انسان با شهودی ساده آن را با فطرت خویش درک می‌کند و این توحید از یک اطلاق مطلق بی‌هیچ قیدی نشأت گرفته است (خشنود و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶۹). بنا بر آیه‌ی «اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (انعام: ۱۰۶)؛ از آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده است، پیروی کن. هیچ معبودی جز او نیست»، اگر انسان به زندگی پس از مرگ اعتقادی نداشته باشد، زندگی خود را عبث و بدون هدف می‌پندارد؛ اما اگر انسان اعتقاد داشته باشد که پس از مرگ دنیایی وجود دارد، دیگر این احساس و ذهنیت در او ایجاد نخواهد شد؛ زیرا «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ هِيَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ (عنکبوت: ۶۴)؛ این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا (در) جهان آخرت است»؛ بنابراین، زندگی

1- Anisa & Miranda

2- Schaefer

3- Veenman

4- Khng & Mane

انسان با معادباوری ارزشمند می‌شود و اعتقاد در پرتو خداباوری شکل می‌گیرد. اعتقاد و باور به دین مبین اسلام موجب از میان رفتن هیجان‌ها و احساسات مختلف می‌گردد؛ زیرا اعتقاد به توحید و معاد باعث بروز نیت‌های بیرونی و درونی انسان در جامعه می‌شود. همه‌ی این موارد از آنجا نشأت می‌گیرد که دعوت دین اسلام توأم با عقل و منطق است؛ بنابراین، می‌توان گفت انسان با این عناصر، رفتارهای فردی خود را با باورهای اعتقادی تنظیم می‌کند (خشنود و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶۹). اندیشمندان دین مبین اسلام بر این باورند که تأمین نیازهای روحی-روانی و عاطفی افراد در گرو دین و معنویت نهفته است و با تمسک به خداوند، قرآن و سیره‌ی علمی و عملی ائمه‌ی معصومین^(ع) می‌توان به سلامت، سعادت، آرامش و ترقی دست یافت. دانشجویانی که در زمینه‌ی معنویات به‌صورت سالم و کامل پرورش می‌یابند، احتمال بیشتری وجود دارد که در شرایط مختلف زندگی موفق‌تر باشند. علاوه بر این، بر اساس درمان معنوی مبتنی بر دین اسلام، دانشجویانی از خداوند رهنمود و ارشاد می‌خواهند تا آنان را در کنار آمدن با مسائل کمک کند، این خود باعث افزایش خوش‌بینی، امیدواری و انجام به‌موقع کارها می‌شود (کمری و همکاران، ۱۳۹۴، به نقل از رشیدزاده، ۱۳۹۹، ص ۱۲). در جامعه‌ی اسلامی ما، بسیاری از رفتارها و اعتقادات در زندگی فردی و اجتماعی افراد، مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از مبانی نظری اسلام و باورهای دینی است که در مفاهیم و رفتارهایی همچون روزه، نماز، توکل، صبر، دعا و مراقبه تعریف می‌شود. اصول بنیادین اسلام، آموزه‌های دینی و معنویت به افراد کمک می‌کند که با وجود بیماری، سوگ یا ناامیدی، در جستجوی معنا باشند؛ بنابراین، زندگی بر پایه‌ی معنویت و مبانی نظری اسلام تحت هر شرایطی معنادار است (خالدیان، ۱۳۹۷، ص ۵۷).

بیان مسئله

توجه دین اسلام به سعادت و حیات اخروی انسان‌ها بدان معنا نیست که دین در زندگی دنیوی افراد نقش و تأثیری نداشته باشد. آموزه‌های اعتقادی و باورهای دینی دستورهای ویژه‌ای برای حیات فردی جوانان به‌ویژه طالبان علم (دانشجویان) دارند که هرکدام می‌تواند منشأ ثمرات و برکات فراوانی برای آینده‌ی دانشجویان باشد. با توجه به تأثیر سلامت فردی بر سلامت اجتماعی، می‌توان به تأثیر مستقیم هویت دینی افراد بر ابعاد اجتماعی نیز اشاره کرد. یک جامعه از تک‌تک افراد آن جامعه تشکیل شده است و بنابراین، در جامعه‌ای با افراد باورمند و معتقد به آموزه‌های دینی، آمار جرم و انحراف و مفساد اجتماعی پایین‌تر است و همه‌های غیردینی شناسایی و کنترل می‌شوند (خشنود و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶۹).

بررسی و جمع‌بندی مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد، آموزش و تبلیغ مبانی نظری اسلام و باورهای اعتقادی در میان دانشجویان به‌ویژه دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی امری ضروری و بااهمیت محسوب می‌گردد که می‌تواند پیامدهای مهمی را در تربیت و پرورش شخصیت‌های برجسته ورزشی به دنبال داشته باشد. معنویت و توجه به اصول بنیادین اسلام در دوره‌ی دانشجویی می‌تواند به‌عنوان یکی از راهبردهای مقابله‌ای مثبت در برابر تاب‌آوری، استرس، سبک زندگی، خشم، بی‌قراری، تحمل ابهام، هوش هیجانی و غیره استفاده گردد. درباره‌ی کارکرد

باورهای اعتقادی و دینی در جوامع مختلف پژوهش‌هایی انجام شده است؛ اما در حوزه‌ی میزان اثربخشی آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام (اندیشه‌ی اسلام ۱، اندیشه‌ی اسلام ۲، انسان در اسلام و حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام) در دانشگاه‌ها و آثار آن‌ها بر دانشجویان به‌ویژه دانشجویان ورزشکار پژوهشی یافت نشد؛ بنابراین، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا آموزش دروس مبانی نظری اسلام بر هوش معنوی و اضطراب امتحان دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه ایلام تأثیر دارد؟

پیشینه‌ی پژوهش

نخعی و همکاران (۱۴۰۱، ص ۱) طی پژوهشی با عنوان «تأثیر خواندن داستان‌های قرآنی بر روی مهارت‌های ارتباطی، هویت دینی و تاب‌آوری دانش‌آموزان دختر» بیان کردند که خواندن داستان‌های قرآنی بر روی هویت دینی، مهارت‌های ارتباطی و تاب‌آوری دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه‌ی اول شهرستان زابل تأثیر مستقیم و معناداری دارد. ورمزیاری و گلپور (۱۴۰۱، ص ۱) طی پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش شفقت به خود بر خودانتقادی و خودکارآمدی اجتماعی دانش‌آموزان دختر مبتلا به اضطراب امتحان» نشان دادند، اضطراب امتحان دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه‌ی دوم شهر نوشهر متأثر از آموزش شفقت به خود است. یافته‌های طاهری‌سده و همکاران (۱۴۰۱، ص ۲۲) با عنوان «اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر اضطراب و خودکنترلی دانش‌آموزان» نشان داد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر اضطراب تحصیلی و خودکنترلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی اول منطقه‌ی لنجان اثربخش است. پژوهش رشیدزاده (۱۳۹۹، ص ۷) با عنوان «اثربخشی آموزش برنامه مبتنی بر معنویت و آموزه‌های اسلامی بر اضطراب و تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان» نشان داد، آموزش برنامه‌ی مبتنی بر معنویت و آموزه‌های اسلامی بر اضطراب و تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان پسر متوسطه‌ی دوره‌ی اول شهر تبریز تأثیر مثبت و معناداری دارد. قزوینه و همکاران (۱۳۹۸، ص ۳۹) طی پژوهشی با عنوان «بررسی روابط علی‌هوش معنوی و هوش هیجانی با اثربخشی مربیان ورزشی: نقش واسطه‌ای خودکارآمدی» نشان دادند که هوش معنوی بر اثربخشی مربیان فعال رشته‌های مختلف ورزشی ساکن شهر تهران تأثیر مستقیم و معناداری دارد. یافته‌های پژوهش نیازآذری و سروآبادی (۱۳۹۳، ص ۴۳) با عنوان «تبیین اهمیت هوش معنوی و خودکارآمدی مدیران در عرصه‌ی رقابت جهانی» نشان داد، هوش معنوی بر سطح خودکارآمدی مدیران مدارس دولتی شهرستان ساری تأثیر مستقیم و معناداری دارد. نتایج پژوهش هرماندز^۱ (۲۰۲۲، ص ۹۵۳) با عنوان «کاهش اضطراب دانشجویان در دوره‌ی کووید-۱۹ با استفاده از موسیقی» نشان داد که گوش دادن به موسیقی بر کاهش اضطراب دانشجویان دانشکده‌ی هنرهای نمایشی در دوره‌ی پاندومی کووید-۱۹ اثربخش است و تأثیر معنادار و مثبتی دارد. شریف‌نیا و همکاران (۲۰۲۲، ص ۹۶) طی پژوهشی با عنوان «هوش معنوی و عملکرد حرفه‌ای پرستاران» نشان دادند که میان هوش معنوی و عملکرد حرفه‌ای پرستاران رابطه‌ی مثبت و معناداری

1- Hernandez

وجود دارد. یافته‌های پژوهش جیسون و همکاران^۱ (۲۰۲۲، ص ۲۴۱) با عنوان «ارتباط معنویت و دین‌داری با میزان واکسیناسیون کووید-۱۹» که در ۱۹۵ کشور مختلف جهان انجام شده بود، نشان داد که دین و معنویت عامل مهم و اثرگذاری برای پیش‌بینی رفتارها و متغیرهای محیطی در دنیا است. دیگر نتایج این پژوهش نشان داد که کشورهایی که میزان دین‌داری و معنویت بالاتری دارند، تمایل کمتری به استفاده از واکسیناسیون در زمان بیماری کووید-۱۹ نشان دادند. صوفی و یاسمین^۲ (۲۰۲۲، ص ۲۱۱) طی پژوهشی، با تحلیل و مرور ۵۶ مقاله‌ی پژوهشی از پایگاه‌های معتبر علمی جهان طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۲ عنوان کردند که پروژه‌ی اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی در کشورهای کانادا و نیوزلند اغلب با هدف نژادپرستی علیه مسلمانان، منفی‌سازی تصویر مسلمانان، بحران‌های هویتی و منفعت‌های سیاسی انجام می‌شود. یافته‌های پژوهش کریمی‌علی‌آبادی و همکاران (۲۰۲۱، ص ۶۵۸) با عنوان «پیش‌بینی میزان همدلی پرستاران در دوره‌ی کرونا با استفاده از هوش معنوی» نشان داد، هوش معنوی بر سطوح همدلی پرستاران در دوره‌ی بیماری کووید-۱۹ تأثیر مستقیم و معناداری دارد. یافته‌های پژوهش السالم^۳ و همکاران (۲۰۲۰، ص ۲۷۱) نشان داد که دانشجویان در امتحان‌های مجازی در دوره‌ی کووید-۱۹، استرس و اضطراب کمتری را به نسبت امتحان‌های حضوری تجربه کردند.

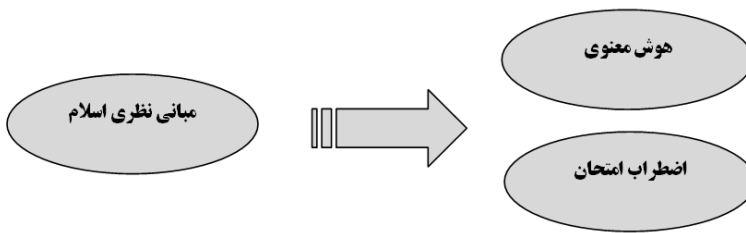
فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌ی اصلی: آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام بر هوش معنوی و اضطراب امتحان دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه ایلام تأثیر دارد.

فرضیه‌های اختصاصی:

۱. آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام بر هوش معنوی دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی تأثیر دارد.
۲. آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام بر اضطراب امتحان دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی تأثیر دارد.

1- Jason et al
2- Sufi & Yasmin
3- Elsalem



شکل شماره ۱. الگوی مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نحوه جمع‌آوری داده‌ها، نیمه‌آزمایشی از نوع طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل است.

جدول شماره ۱. طرح پژوهش

گروه آزمایش	T۱	X	T۲
گروه کنترل	T۱		T۲

- متغیر مستقل یا اثرگذار (X): آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام (اندیشه‌ی اسلام ۱، اندیشه‌ی اسلام ۲، انسان در اسلام و حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام)؛
 - متغیر وابسته یا اثرپذیر (Y): متغیر هوش معنوی و متغیر اضطراب امتحان دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی؛

- پیش‌آزمون (T۱): پرسش‌نامه‌ی جمعیت‌شناختی، پرسش‌نامه‌ی هوش معنوی^۱ کینگ (۲۰۰۸) و پرسش‌نامه‌ی اضطراب امتحان^۲ اسپیلبرگر (۱۹۸۰)؛

- پس‌آزمون (T۲): پرسش‌نامه‌ی جمعیت‌شناختی، پرسش‌نامه‌ی هوش معنوی کینگ^۳ (۲۰۰۸) و پرسش‌نامه‌ی اضطراب امتحان اسپیلبرگر^۴ (۱۹۸۰).

جامعه‌ی آماری پژوهش همه‌ی دانشجویان مقطع کارشناسی رشته‌ی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه ایلام است که شامل چهار ورودی به تعداد ۹۶ نفر که در نیم سال اول ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند. ابتدا از مجموع کلاس‌های مبانی نظری اسلام (اندیشه‌ی اسلام ۱، اندیشه‌ی اسلام ۲، انسان در اسلام و حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام)، دو کلاس اندیشه‌ی اسلام ۱ و اندیشه‌ی اسلام ۲ که بیشترین دانشجوی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی در آن‌ها شرکت داشتند، به‌صورت هدفمند

1- Spiritual Intelligence Self-Report Inventory (SISRI-24)
 2- Test Anxiety Inventory (TAI)
 3- King
 4- Spielberger

انتخاب شد که در مجموع، حجم کل دانشجویان تربیت‌بدنی این دو کلاس ۳۱ نفر بودند؛ سپس به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس و داوطلبانه، ۱۵ نفر از این ۳۱ نفر که دروس اندیشه‌ی اسلام ۱ و ۲ داشتند، با رعایت معیارهای ورود و خروج از پژوهش به‌عنوان گروه آزمایش و از میان سایر دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی که این دروس را نداشتند، تعداد ۱۵ نفر نیز به‌عنوان گروه کنترل انتخاب گردید. برای گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد، بدین ترتیب که به‌منظور جمع‌آوری پیشینه و مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای و برای گردآوری اطلاعات از چهار پرسش‌نامه‌ی استاندارد استفاده گردید:

۱. پرسش‌نامه‌ی جمعیت‌شناختی: این پرسش‌نامه‌ی عمومی شامل سه سؤال جنسیت، سن و وضعیت تأهل است که در آن سعی شده است اطلاعات کلی و جمعیت‌شناختی از نمونه‌ی آماری گردآوری شود.

۲. پرسش‌نامه‌ی هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸): این پرسش‌نامه شامل ۲۴ سؤال و چهار زیرمقیاس تفکر وجودی انتقادی (پنج سؤال)، ایجاد معنای شخصی (هفت سؤال)، هشیاری متعالی (پنج سؤال) و گسترش حالت هشیاری (هفت سؤال) است. این ابزار در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت است که نمره‌ی بالا نشان‌دهنده‌ی هوش معنوی بیشتر و یا وجود چنین ظرفیتی است. کینگ (۲۰۰۸) پایایی این پرسش‌نامه را ۰/۹۵ درصد گزارش کرده است؛ همچنین در این پژوهش، روایی صوری و محتوایی از سوی هشت نفر از اساتید متخصص تأیید گردید و ضریب پایایی آن نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به‌دست آمد.

۳. پرسش‌نامه‌ی اضطراب امتحان اسپیلبرگر (۱۹۸۰): این پرسش‌نامه را اسپیلبرگر (۱۹۸۰) تهیه کرده است و ۲۰ سؤال دارد که به‌صورت طیف چهارگزینه‌ای لیکرت از یک (هرگز) تا چهار (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. این ابزار متشکل از دو زیرمقیاس هیجان‌پذیری و نگرانی است. در این پرسش‌نامه نمره‌ی بیشتر نشان‌دهنده‌ی اضطراب امتحان بالاتر در دانشجویان است. اسپیلبرگر (۱۹۸۰) پایایی این پرسش‌نامه را با آلفای کرونباخ ۰/۸۸ درصد به‌دست آورد؛ همچنین در این پژوهش، روایی صوری و محتوایی از سوی هشت نفر از اساتید متخصص تأیید شد و ضریب پایایی آن نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به‌دست آمد.

خلاصه‌ی برگزاری کلاس‌های دروس عمومی مبانی نظری اسلام (اندیشه‌ی اسلام ۱ و ۲) در پژوهش حاضر، کلاس‌های دروس اندیشه‌ی اسلام ۱ و اندیشه‌ی اسلام ۲ در ۱۱ جلسه‌ی یک‌و نیم‌ساعته، هر درس هفته‌ای یک جلسه (در روزهای یکشنبه، اندیشه‌ی ۱ و سه‌شنبه، اندیشه‌ی ۲) با گروه آزمایش برگزار و توسط پژوهشگر کنترل گردید:

جدول شماره ۲. خلاصه‌ی مطالب و سرفصل‌های دروس عمومی اندیشه‌ی اسلام ۱ و ۲

ردیف	عنوان جلسات	محتوا
۱	جلسه‌ی اول: معارفه‌ی گروه/ پیش‌آزمون	اندیشه‌ی ۱ (توحید و معاد) اندیشه‌ی ۲ (نبوت و امامت)
۲	جلسه‌ی دوم	انسان و ایمان (نیازهای معنوی انسان) اندیشه‌ی ۱ (توحید و معاد) اندیشه‌ی ۲ (نبوت و امامت)
۳	جلسه‌ی سوم	انسان و ایمان (نقش ایمان مذهبی در زندگی انسان) اندیشه‌ی ۱ (توحید و معاد) اهداف، ابعاد و قلمرو دین (ضرورت وحی و پیامبری برای سعادت معنوی و زندگی دنیایی، عصمت پیامبران، نقش دین در زندگی دنیایی، بررسی دیدگاه‌های امانیسم، سکولاریسم و لیبرالیسم و نظریه‌ی جامعیت دین)
۴	جلسه‌ی چهارم	انسان و ایمان (عقل و ایمان) اندیشه‌ی ۱ (توحید و معاد) اهداف، ابعاد و قلمرو دین (گوهر مشترک دین و راز تعدد ادیان و شرایع، رابطه‌ی علم و دین)
۵	جلسه‌ی پنجم	مفهوم خدا (برداشت‌های مختلف درباره‌ی خدا) اندیشه‌ی ۱ (توحید و معاد) اندیشه‌ی ۲ (نبوت و امامت)
۶	جلسه‌ی ششم	مفهوم خدا (خدا در ادیان ابراهیمی یهود، مسیحیت و اسلام) اندیشه‌ی ۱ (توحید و معاد) شناخت اسلام (عقل و جایگاه آن در شناخت دین، خاتمیت و پاسخگویی اسلام به نیازهای متغیر انسان، روش فهم دین (تکامل‌پذیری، فهم بشری، قداست فهم دینی، پلورالیسم دینی)

ردیف	عنوان جلسات	محتوا
۷	جلسه هفتم	اندیشه‌ی ۱ (توحید و معاد) خدایابی (دل و شهود، عقل و استدلال)
		اندیشه‌ی ۲ (نبوت و امامت) امامت و ولایت (معنای امامت و ولایت، ابعاد و شئون امامت و مرجعیت دینی، ولایت سیاسی، ولایت معنوی)
۸	جلسه هشتم	اندیشه‌ی ۱ (توحید و معاد) توحید و شرک (توحید ذاتی و صفاتی، توحید افعالی، توحید عبادی) سایر اوصاف خداوند (عدل الهی، حکمت و قدرت)
		اندیشه‌ی ۲ (نبوت و امامت) امامت و ولایت (عصمت امامان و ادله‌ی نصب آنان، مهدویت)
۹	جلسه نهم	اندیشه‌ی ۱ (توحید و معاد) سایر اوصاف خداوند (مسئله‌ی شرور، جبر و اختیار، قضا و قدر)
		اندیشه‌ی ۲ (نبوت و امامت) مرجعیت و ولایت در عصر غیبت (مرجعیت دینی در عصر غیبت، ولایت فقیه و رهبری سیاسی)
۱۰	جلسه دهم	اندیشه‌ی ۱ (توحید و معاد) رستاخیز و جاودانگی (مرگ و برزخ) رستاخیز و جاودانگی (قیامت)
		اندیشه‌ی ۲ (نبوت و امامت) مرجعیت و ولایت در عصر غیبت (تاریخچه‌ی ولایت فقیه، مبنای مشروعیت حکومت دینی و اختیارات ولی فقیه، نصب، عزل و نظارت بر ولی فقیه)
۱۱	جلسه یازدهم	اندیشه‌ی ۱ (توحید و معاد) در این جلسه از دانشجویان به سبب همکاری و شرکت منظم در کلاس‌ها و همچنین این پژوهش تشکر به عمل آمد. در پایان، پس‌آزمون با استفاده پرسش‌نامه‌ی جمعیت‌شناختی، پرسش‌نامه‌ی هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) و پرسش‌نامه‌ی اضطراب امتحان اسپیلبرگر (۱۹۸۰) به عمل آمد.
		اندیشه‌ی ۲ (نبوت و امامت)

خلاصه‌ی فرایند اجرای پژوهش

ابتدا از مجموع کلاس‌های مبانی نظری اسلام که بیشترین دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی در آن‌ها شرکت داشتند، دو کلاس اندیشه‌ی اسلام ۱ و اندیشه‌ی اسلام ۲ به صورت هدفمند انتخاب شد که حجم کل دانشجویان تربیت‌بدنی این دو کلاس ۳۱ نفر بود؛ سپس به صورت نمونه‌گیری در دسترس و داوطلبانه، ۱۵ نفر از این ۳۱ نفر که دروس اندیشه‌ی اسلام ۱ و ۲ داشتند با رعایت معیارهای ورود و خروج از پژوهش به‌عنوان گروه آزمایش و از میان سایر دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی که این دروس را نداشتند، تعداد ۱۵ نفر نیز به‌عنوان گروه کنترل انتخاب گردید. در جلسه‌ی اول درباره‌ی اهداف و فرایند پژوهش توضیح داده شد و پیش‌آزمون با استفاده از پرسش‌نامه‌ی جمعیت‌شناختی، پرسش‌نامه‌ی هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) و پرسش‌نامه‌ی اضطراب

امتحان اسپیلبرگر (۱۹۸۰) در هر دو گروه آزمایش و کنترل به عمل آمد. در ادامه، گروه آزمایش در کلاس‌های دروس اندیشه‌ی اسلام ۱ و اندیشه‌ی اسلام ۲ در ۱۱ جلسه‌ی یک‌ونیم ساعته، هر درس هفته‌ای یک جلسه (در روزهای یکشنبه، اندیشه‌ی ۱ و سه‌شنبه، اندیشه‌ی ۲) شرکت کردند و حضور منظم دانشجویان در کلاس‌ها از سوی پژوهشگر کنترل گردید. پس از پایان جلسات آموزش دروس، پس‌آزمون با استفاده از پرسش‌نامه‌ی جمعیت‌شناختی، پرسش‌نامه‌ی هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) و پرسش‌نامه‌ی اضطراب امتحان اسپیلبرگر (۱۹۸۰) در هر دو گروه آزمایش و کنترل به عمل آمد و داده‌های جمع‌آوری شده در دو بخش آمار توصیفی (جدول توزیع فراوانی، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره و چندمتغیره در سطح معناداری ۰/۰۵) با نرم‌افزار SPSS vol.24 تجزیه و تحلیل گردید. در پایان بایستی یادآوری شود، با توجه به اینکه این پژوهش نیمه‌آزمایشی بود، ملاحظات اخلاقی محرمانه بودن پرسشنامه‌ها، اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان، خروج داوطلبانه‌ی شرکت‌کنندگان از پژوهش و در اختیار قرار دادن اطلاعات پرسش‌نامه چنانچه شرکت‌کنندگان تمایل به دریافت اطلاعات داشته باشند، رعایت شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی پژوهش نشان داد که میانگین سن دانشجویان هر دو گروه آزمایش و کنترل ۱۹/۹۳ سال است. تعداد ۱۸ نفر دختر و ۱۲ نفر پسر و همچنین تعداد ۲۸ نفر مجرد و ۲ نفر نیز متأهل بودند. شاخص‌های توصیف داده‌ها در جدول شماره‌ی ۳ آمده است.

جدول شماره‌ی ۳. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	گروه	آزمون	تعداد	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	انحراف معیار	واریانس
هوش معنوی	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۵	۲۶	۸۲	۴۶/۴۲	۴/۷۱	۲۲/۲۶۷
		پس‌آزمون	۱۵	۳۲	۷۸	۶۴/۱۲	۷/۱۵	۵۱/۱۹۶
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۵	۲۴	۸۱	۴۴/۵۰	۵/۵۹	۳۱/۳۱۷
		پس‌آزمون	۱۵	۲۸	۷۶	۴۲/۳۵	۴/۱۹	۱۷/۵۸۳
اضطراب امتحان	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۵	۲۳	۶۶	۳۵/۱۵	۳/۴۴	۱۱/۸۵۰
		پس‌آزمون	۱۵	۲۰	۶۳	۳۶/۵۰	۳/۲۶	۱۰/۶۶۳
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۵	۲۲	۶۷	۳۷/۱۲	۷/۷۲	۵۹/۷۹۶
		پس‌آزمون	۱۵	۲۴	۶۴	۳۲/۳۵	۴/۱۹	۱۷/۵۸۳

نتایج جدول شماره‌ی ۳ نشان می‌دهد، میانگین نمره‌های هوش معنوی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه کنترل اختلاف معناداری باهم ندارند؛ اما میانگین نمره‌های هوش معنوی در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون در گروه آزمایش افزایش فراوانی دارد که می‌تواند نشان‌دهنده‌ی تأثیر آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام (اندیشه‌ی اسلام ۱ و اندیشه‌ی اسلام ۲) بر میزان هوش معنوی دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی باشد؛ همچنین در میانگین نمره‌های متغیر

اضطراب امتحان در هر دو گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد که می‌تواند نشان‌دهنده تأثیر نداشتن آموزش دروس عمومی مبنای نظری اسلام (اندیشه‌ی اسلام ۱ و اندیشه‌ی اسلام ۲) بر میزان اضطراب امتحان دانشجویان باشد. بیش از تحلیل فرضیه‌های پژوهش به مفروضه‌های آزمون تحلیل کوواریانس مانند آزمون نرمالیت، آزمون χ^2 باکس، آزمون لوین، ارتباط خطی و آزمون خطی بودن شیب رگرسیون می‌پردازیم.

جدول شماره ۴. آزمون نرمالیتی متغیرهای پژوهش

متغیرها	آزمون	چولگی	کشیدگی
هوش معنوی	پیش‌آزمون	۰/۲۵۰	-۰/۸۱۵
	پس‌آزمون	-۰/۱۰۵	۱/۱۲۴
اضطراب امتحان	پیش‌آزمون	۰/۷۳۱	۰/۵۴۱
	پس‌آزمون	۰/۲۱۸	-۰/۵۱۵

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، میزان ضرایب چولگی و کشیدگی همه‌ی متغیرهای پژوهش در بازه‌ی قابل‌قبول (+۲ تا -۲) قرار دارند؛ بنابراین، این‌گونه استنباط می‌شود که توزیع داده‌ها نرمال است؛ همچنین نتایج آزمون χ^2 باکس برای بررسی برابری ماتریس کوواریانس متغیر وابسته در میان گروه‌های آزمایش و کنترل نشان داد، ماتریس کوواریانس متغیرهای وابسته در دو گروه برابر است ($P=۰/۳۱۵$ و $F=۱/۱۸۰$ و $BoxesM=۲۵/۵۸$).

جدول شماره ۵. آزمون همگنی واریانس‌ها (آزمون لوین)

متغیرها	آزمون	فراوانی	df_1	df_2	سطح معناداری
هوش معنوی	پیش‌آزمون	۰/۲۶۴	۱	۲۸	۰/۶۱۱
	پس‌آزمون	۰/۹۵۹	۱	۲۸	۰/۳۳۵
اضطراب امتحان	پیش‌آزمون	۰/۹۴۵	۱	۲۸	۰/۱۳۴
	پس‌آزمون	۰/۱۴۴	۱	۲۸	۰/۷۰۷

نتایج آزمون لوین (جدول شماره ۵) نشان می‌دهد، سطوح معناداری همه‌ی متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ صدم است؛ بنابراین، تجانس واریانس گروه‌ها برقرار است و بایستی آزمون‌های پارامتریک برای تحلیل فرضیه‌ها استفاده شود. نتایج آزمون ارتباط خطی (مفروضه‌ی خطی بودن آزمون تحلیل کوواریانس) میان متغیرهای همپراش (پیش‌آزمون) با متغیرهای وابسته معنادار بود؛ همچنین نتایج آزمون همگنی شیب خط رگرسیون در سطح خطای ۵ درصد در متغیرهای وابسته برقرار بود.

جدول شماره ۶. ماتریس همبستگی پیرسون داده‌های جمعیت‌شناسی افراد نمونه

متغیر	۱	۲	۳
۱. جنسیت	۱		
۲. سن	۰/۰۶۱	۱	
۳. تأهل	۰/۲۳۱	۰/۳۱۴	۱

** همبستگی در سطح ۱ درصد معنادار است (دوطرفه).

* همبستگی در سطح ۵ درصد معنادار است (دوطرفه).

نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، ماتریس همبستگی (F) متغیرهای جمعیت‌شناختی بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین می‌توان بیان کرد، هیچ رابطه‌ی معناداری میان این متغیرها وجود ندارد و در نتیجه، در بررسی فرضیه‌های پژوهش نیازی به کنترل متغیرهای جمعیت‌شناختی نیست؛ همچنین نتایج آزمون همگونی کا اسکور (χ^2) نشان‌دهنده‌ی نبود اختلاف توزیع آزمودنی‌ها از لحاظ متغیرهای جمعیت‌شناختی در دو گروه پیش‌آزمون و پس‌آزمون بود ($P > ۰/۰۵$). برای بررسی تأثیر آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام بر هوش معنوی و اضطراب امتحان از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره (مانکوا) و تک‌متغیره استفاده شد.

جدول شماره ۷. نتایج آزمون معناداری تحلیل کوواریانس چندمتغیره (مانکوا) در دو گروه آزمایش و خطا

آزمون آماری	ارزش	آماره (F)	درجه‌ی آزادی	خطای درجه‌ی آزادی	(sig)	اندازه‌ی اتا
پیلایی	۰/۷۴۵	۱۵/۶۹۱	۷	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۷۸۵
لامبدای و ویلکز	۰/۲۵۵	۱۵/۶۹۱	۷	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۷۸۵
هتلینگ	۶/۴۵۸	۱۵/۶۹۱	۷	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۷۸۵
بزرگ‌ترین ریشه‌ی روی	۶/۴۵۸	۱۵/۶۹۱	۷	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۷۸۵

همان‌طور که جدول شماره ۷ نشان می‌دهد، مقادیر بالاتر از متوسط این آماره نشان‌دهنده‌ی این است که میانگین گروه‌ها تقریباً باهم متفاوت است (هرچقدر اندازه‌ی اتا به عدد یک نزدیک شود، اختلاف معناداری کمتری میان میانگین‌های دو گروه وجود دارد)؛ بنابراین، آموزش دروس مبانی نظری اسلام حداقل بر یکی از دو متغیر هوش معنوی و اضطراب امتحان تفاوت معناداری ایجاد کرده است؛ بدین معنی که این مداخله باعث بهبود سطوح دست‌کم یکی از متغیرهای وابسته شده است. درنهایت، برای روشن شدن این موضوع، تأثیر مداخله را بر هر یک از متغیرهای وابسته به‌طور جداگانه و به کمک آزمون معناداری تحلیل کوواریانس تک‌متغیره انجام می‌دهیم.

جدول شماره ۸. نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیره برای متغیر هوش معنوی دانشجویان

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	ضریب اتا Eta
پیش‌آزمون	۸/۲۶۶	۱	۸/۲۶۶	۰/۵۷۷	۰/۴۵۴	۰/۰۲۰
گروه	۵۹/۸۲۱	۱	۵۹/۸۲۱	۴/۱۷۶	۰/۰۵۰	۰/۱۲۶
خطا	۴۱۵/۴۲۲	۲۸	۱۴/۳۲۵			
کل	۳۱۱۷	۳۰				

نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیره (جدول شماره ۸) نشان می‌دهد که با حذف اثر نمره‌های هوش معنوی به‌عنوان متغیر همپراش، اثر اصلی متغیر آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام (اندیشه‌ی اسلام ۱ و ۲) بر هوش معنوی پس‌آزمون تأثیر معناداری دارد ($F_{1,28} = 4/176$ و $P \leq 0/050$, Partial Eta = $0/12$)؛ بدین معنا که متغیر آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام (اندیشه‌ی اسلام ۱ و ۲) بر هوش معنوی تأثیر معناداری دارد.

جدول شماره ۹. نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیره برای متغیر اضطراب امتحان دانشجویان

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	ضریب اتا Eta
پیش‌آزمون	۴۰/۷۹۶	۱	۴۰/۷۹۶	۰/۹۸۸	۰/۳۲۸	۰/۰۳۳
گروه	۳۱۳۴/۱۸۱	۱	۳۱۳۴/۱۸۱	۷۵/۹۳۹	۰/۱۲۱	۰/۷۲۴
خطا	۱۱۹۶/۸۹۱	۲۸	۴۱/۲۷۲			
کل	۴۲۹۱۱	۳۰				

جدول شماره ۹ نتایج تحلیل کوواریانس را نشان می‌دهد که با حذف اثر نمره‌های اضطراب امتحان به‌عنوان متغیر همپراش، اثر اصلی متغیر آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام (اندیشه‌ی اسلام ۱ و ۲) بر اضطراب امتحان پس‌آزمون تأثیر معناداری ندارد ($F_{1,28} = 46/371$ و $P \leq 0/121$, Partial Eta = $0/63$)؛ بدین معنا که متغیر آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام (اندیشه‌ی اسلام ۱ و ۲) بر اضطراب امتحان تأثیر معناداری ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تأثیر آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام بر هوش معنوی و اضطراب امتحان دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه ایلام صورت گرفت. نتایج استنباطی پژوهش نشان داد که آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام بر هوش معنوی تأثیر مثبت و معناداری دارد که درباره‌ی این فرضیه هیچ‌گونه پژوهشی همسو و یا ناهمسو یافت نشد، هرچند پژوهش‌هایی مانند برجلی و همکاران (۱۳۹۷)، ذوقی‌پایدار، محمودی و نبی‌زاده (۱۳۹۶)، فرجی (۱۳۹۵) و گودا

و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی آثار هوش معنوی بر متغیرهای مختلف در حوزه‌ی دین و معنویت، یعنی در جهت عکس روابط الگوی مفهومی این پژوهش، انجام شده است. در تبیین تأثیر مبانی نظری اسلام بر هوش معنوی می‌توان بیان کرد، انسان همواره درصدد دستیابی به معنا و هدف نهایی زندگی است. جستجوی هدف نهایی زندگی به کمک باورهای دینی حالتی ماورایی به وجود می‌آورد و انسان‌ها را در مسیر یگانگی و تکامل با جهان هستی قرار می‌دهد. اگر نیک بنگریم، هوش و مبانی نظری دین به یک حقیقت اشاره دارند. با این تفاوت که هوش بُعد «بدایت استعدادی» و باورهای دینی، حیثیت «غایت التفاتی» آن حقیقت است. هوش جرقه‌ساز و باورهای دینی جریان‌ساز آن فرایند است. انسان در یافتن جرقه، به آستانه‌ی فهم «مشکل» می‌رسد و رؤیت مشکل برای همه آسان است؛ اما صاحب هوش معنوی بالاتر مشکل را به سؤال تبدیل می‌کند و با یک پیگیری مستمر، به کشف یا ایجاد راه‌حل مؤثر و جدید نائل می‌شود (مهرابی، ۱۳۹۲، ص ۱۰). بنا بر نظر کینگ (۲۰۰۸، ص ۴۵)، تقویت هوش معنوی به وسیله‌ی معنویات، زمینه‌ساز حرکت انسان‌ها برای رسیدن به هدف نهایی است؛ بدین معنا که افراد بتوانند فراتر از خود، جهان مادی را درک کنند تا بر ضعف‌های وجودی خویش غلبه نمایند. این سطح از هوش دربرگیرنده‌ی مهارت‌ها و استعدادهایی برای ایجاد ارتباط با منشأ همه‌ی موجودات، ماهیت وجود و یکپارچه شدن با همه‌ی هستی است. اینجاست که ارتباط مبانی نظری دینی و باورهای درونی با هوش معنوی مطرح می‌شود. درواقع، هوش معنوی و اعتقادات دینی ریشه در سرشت انسان‌ها دارند و هر دو در پی شناخت حقیقت و ماهیت جهان هستند. معنویت و اعتقادات دینی برای هدایت و پرورش انگیزه‌ی درونی انسان به کشف حقیقت، ابعاد مشترکی مانند معنایابی، خودآگاهی، حس پرستش و حقیقت‌جویی را مورد استفاده قرار می‌دهند؛ بنابراین، می‌توان عنوان کرد مبانی نظری اسلام و سازه‌های هوش معنوی باهم ابعاد مشترکی دارند که پژوهش‌های مختلف تجربی و شبه‌تجربی به دنبال شناسایی و درک بیشتر همپوشانی این سازه‌ها و ابعاد هستند؛ همچنین بر اساس نظر آلپورت^۱ (۱۹۶۷، ص ۴۲۵)، فردی که باورهای دینی ضعیف و پایبندی سطحی به مبانی نظری دینی دارد، اعتقادات و معنویات با شخصیت و زندگی آن فرد عجین نشده است و برای او مبانی دینی وسیله‌ای است که برای برآورده کردن نیازهای شخصی از جمله مقام و پیشرفت استفاده می‌شود. درواقع، این افراد از مبانی نظری و باورهای دینی خود استفاده ابزاری می‌کنند و این رویکرد با مشخصه‌های هوش معنوی از قبیل عدالت، واقع‌بینی، حقیقت‌طلبی، شناسایی ابعاد ماورایی و متعالی، جامع‌نگری و جستجوی معنا و هدف نهایی بودن در تعارض است. بایستی یادآوری کرد، اصل بنیادین معنویت و دین‌داری بر اساس مبانی نظری اسلام توجه و یاد خداوند است. یاد خداوند باعث بروز رفتارهای نیکی چون محبت و عشق به خداوند، ایمان و اعتقادات قلبی، انکسار نفس، تواضع، توکل، شرح صدر، حیا، حلم، عفت و صبر می‌شود و نیز باعث دوری از منکراتی مانند تهمت، غیبت، سخن‌چینی، دروغ، حسادت، کینه‌توزی، غرور و خودپسندی می‌گردد و درنتیجه، باعث ارتقای هوش معنوی یا

1- Allport

همان عقل رحمانی در انسان خواهد شد (ذوقی پایدار و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۵). راما چاندران^۱ عنوان کرد، افراد هنگامی که در معرض اندیشه‌های معنوی یا مباحث دینی قرار می‌گیرند، فعالیت‌های الکتریکی بخش‌های مختلف مغز مانند هوش به‌قدری افزایش می‌یابد که با فعالیت‌های مغز در هنگام حمله‌های بیماری صرع قابل‌مقایسه است (نقل قول است که حمله‌های بیماری صرع با بعضی تجربه‌های عرفانی همسان و در ارتباط است) (به نقل از محمدنژاد و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲). صمدی (۱۳۸۵، ص ۹۹) عنوان کرد، انواع هوش ارتباطی تنگاتنگ با رفتارهای حل مسئله دارد؛ بنابراین، اگر معنویت و باورهای دینی شکلی از هوش شمرده شود، بایستی فرد را در حل مسائل و مشکلات فرهنگی توانا سازد. از سوی دیگر، هوش معنوی موجب فهم بیشتر بتون آیات قرآنی می‌گردد و باعث می‌شود افراد کلام انبیا را راحت‌تر و با عمق بیشتر درک کنند. غباری‌بناب و همکاران (۱۳۸۶، ص ۱۴۸) عوامل مؤثر در تقویت هوش معنوی را شامل تقوا و پرهیزگاری، تدبیر در خلقت، تدبیر در آفاق و انفس، عبادات، روزه‌داری، خواندن قرآن و تدبیر صادقانه در آیات قرآن عنوان می‌کنند. بایستی پذیرفت معنویت، دین‌داری و پایبندی به مبانی نظری دین، تنها روی آوردن به انجام واجبات، تکالیف و بایدها و نبایدها نیست، بلکه باعث تغییر نوع جهان‌بینی و ادراکات فرد نیز می‌شود و نگاه انسان‌ها را به جهان هستی دگرگون می‌سازد. افزایش حساسیت به تجارب زندگی، گسترش آگاهی، پرورش خودآگاهی و ارائه‌ی معنا و مقصود زندگی از جمله‌ی آثار دیگر دین است که منجر به تقویت و ارتقای هوش معنوی می‌شود (محمدنژاد و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). هوش معنوی در همه‌ی ادیان به ودیعه گذاشته شده است و همه‌ی انسان‌ها از آن بهره‌مند می‌شوند؛ اما این قابلیت نیاز به آموزش، رشد و پرورش مستمر دارد و دین مبین اسلام به سبب توجه وافر به معنویت، آشنایی کامل به سرچشمه‌ی خلقت انسان‌ها و همچنین نیازهای آنان به‌عنوان مهم‌ترین محرک رشد و توسعه‌ی هوش معنوی مطرح است؛ بنابراین می‌توان استنباط کرد که هوش معنوی در حکم فانوسی روشن برای مشاهده و دیدن است و اصول و مبانی نظری اسلام و دین‌داری، مسیر و جاده‌ای است که انسان‌ها را به تعالی و هدف نهایی می‌رساند (برجعی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵۵۳). از مجموع مباحث بالا چنین استنباط می‌شود، افرادی که هوش معنوی بالاتری دارند، دارای «ازخود برون‌شدگی» بیشتری هستند و «فرا رفتن از خود» و «فرا بردن در دیگران» مهم‌ترین ویژگی این افراد است. در هردو فرایند معنابخشی، الغای صورت، القای معنا و سطح مادون رخ می‌دهد. گرفتن دست غیر و راهنمایی آنان به سوی حق که در عرفان چهارمین و آخرین سفر تلقی می‌شود، تعبیر دیگری از این ویژگی است. درواقع سطح و جهت، تعالی و تنازل، ظاهر و باطن برای صاحبان هوش معنوی درهم‌تنیده شده و به ماورای مکان و زمان بار یافته‌اند، به وجهی که خدا را بی‌عنایت به مهر و کین طلب می‌نمایند؛ ساحت و مقامی که علی^(ع) درباره‌ی آن فرمود: «و کمال الإخلاص له نُفَى الصِّفَاتِ عَنْهُ» (نهج‌البلاغه: خطبه‌ی اول)؛ ساحت حقی که در آن اجتماع و ارتفاع نقیضین محال نمی‌نماید (مهرابی، ۱۳۹۲، ص ۱۲).

از دیگر نتایج این پژوهش تأثیر نداشتن معنادار آموزش دروس عمومی مبانی نظری اسلام بر اضطراب امتحان بود که با نتایج پژوهش‌های برزگر و همکاران (۱۳۹۵) و مهین‌رسولی و بدری (۲۰۱۲) همخوان و همسو است؛ اما با نتایج پژوهش‌های رشیدزاده (۱۳۹۹)، کج‌باف و همکاران (۱۳۹۶)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۶)، فلاحی و اسدی (۱۳۹۵)، گرین‌وی^۱ و همکاران (۲۰۰۳) و بولتر^۲ (۲۰۰۲) ناهمخوان است. در تبیین این موضوع بایستی عنوان کرد که نسل جوان و به‌ویژه دانشجویان، به علل مختلف درباره‌ی مبانی نظری همه‌ی ادیان، رفتارهای علما، روحانیون و مسئولان حکومت‌های دینی دچار تردید شده‌اند و یا حتی می‌توان ادعان داشت، رفتارهای چندگانه‌ی مبلغان دینی باعث شکاف میان دین و قشر جوان امروزی شده و زمینه را برای دین‌گریزی جوانان به‌ویژه دانشجویان فراهم ساخته است که نتیجه‌ی آن مقبولیت نداشتن و تأثیر نداشتن مبانی نظری دین بر متغیرهای رفتاری مانند اضطراب امتحان شده است. قطعاً تفاوت میان رفتار، گفتار و عمل علما، روحانیون و مسئولان حکومت‌های دینی از عواملی است که باعث تأثیر نداشتن آموزش مبانی نظری دین شده است. آنچه مسلم است، در جامعه‌ی دانشجویی کشور دین‌گریزی جدی وجود دارد که از دیگر علل آن، تصور نسل جدید درباره‌ی شر و بلایای عمومی و فردی است که افراد را نسبت به فلسفه‌ی زندگی و اصل آفرینش بدبین می‌کند، به‌ویژه اینکه افراد فکر می‌کنند باید با یک توکل و توسل مشکلشان حل گردد و بعد که این اتفاق نمی‌افتد، به اصل دین و آفرینش بدگمان می‌شوند؛ همچنین اگر نام حکومت، دینی باشد و بعد از سوی این حکومت چه به‌صورت مستقیم و چه به‌صورت غیرمستقیم مانند تحریم‌ها و فشارهای بیرونی، مردم دچار مشکل گردند و حکومت را مقصر ببینند، نسبت به دین بدگمان و از آن دور می‌شوند. قانع نشدن دانشجویان از پاسخ‌های علمای دینی درباره‌ی شبه‌های اعتقادی و دینی در کنار جاذبه‌ی سایر مکاتب نیز می‌تواند زمینه را برای بی‌اهمیت شدن مبانی نظری دینی فراهم کرده باشد.

با توجه به مطالب مطرح‌شده در ارتباط با ماهیت مبانی نظری اسلام و معنویت می‌توان این‌طور استدلال کرد که مأموریت محوری، خودآگاهی، جامع‌نگری، خودانگیختگی، دیگرخواهی، تواضع و فروتنی، صبر و حلم، استقبال از تفاوت‌ها، استقلال رأی، هوش معنوی بالا، علاقه به طرح چراهای بنیادی، ایمان قلبی، تغییر چارچوب‌های ذهنی و شناختی، استفاده‌ی مثبت از چالش‌ها، احساس رسالت و غیره در مؤلفه‌ی مبانی نظری دین اسلام و دین‌داری خلاصه شده است. اعمال معنوی و دینی مانند دعا کردن، آموزش مباحث دینی، نماز، خدایپرستی و غیره، عملکرد نورو-های مغز را به نحوی تغییر می‌دهد که سلامت جسمی و روانی فرد را توسعه و باعث ارتقای هوش معنوی فرد می‌شود (جهانگیر، کربخش و موسوی، ۱۳۹۹، ص ۷۱). در طول سال‌های اخیر، نشریه‌های معتبر علمی دنیا نیز به مبانی نظری اسلام، دین‌داری، مذهب، ایمان و معنویت و تأثیر آن‌ها بر حفظ و ارتقای سلامت روانی و جسمی و به‌ویژه در روند درمان بیماری‌های صعب‌العلاج، از جمله

1- Greenway

2- Boulter

دعا بر بالین بیمار و دعا برای بیماران بستری در سی‌سی‌یو و آی‌سی‌یو توجه ویژه‌ای داشته‌اند. وظیفه‌ی پژوهشگران این است که دیدگاه‌های علمی موجود در حیطه‌ی مبانی نظری اسلام را در کشور بررسی کنند و ابعاد علمی اعمال معنوی مانند نماز، روزه، ذکر و زیارت را مشخص نمایند و آن را به‌صورت نوعی مؤلفه‌ی اجتماعی مؤثر بر سلامت در بعد جسم و روح مطرح و اثبات سازند. درنهایت، برای تقویت و ارتقای اعتقادات دینی دانشجویان به‌ویژه دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، موارد ذیل به مدیران و تصمیم‌گیران عرصه‌ی فرهنگی کشور پیشنهاد می‌شود:

تشکیل کارگاه‌های آموزشی برای پاسخ‌دهی به شبه‌هایی که در احکام و اعتقادات وجود دارد، امری لازم و ضروری است که مدیران بایستی به آن توجه کنند.

برای تقویت و حفظ روحیه‌ی دینی دانشجویان لازم است، محیط دانشگاه سالم و دور از هرگونه مظاهر فساد باشد.

شناخت نیازهای جوانان به‌ویژه دانشجویان، نهادینه کردن دین در خانواده‌ها، به‌کارگیری شیوه‌های کاربردی و نوین پیام‌رسانی دینی، همدلی با دانشجویان، انعطاف‌پذیری، میانه‌روی، جلب اعتماد و احترام به عقاید جوانان و استفاده ابزاری نداشتن از دین برای اهداف سیاسی ازجمله‌ی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر باورهای دینی دانشجویان است.

تشویق به دین‌داری از سوی اساتید دانشگاه، استفاده از اساتید قوی برای دروس معارف اسلامی و برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور اساتید دینی (استفاده از پیشنهاد دانشجویان برای دعوت اساتید موردقبول آنان) نیز می‌تواند زمینه‌ساز جلب دانشجویان به مباحث دینی و معنویت باشد. ایجاد زمینه‌ی تعهد بیشتر دانشجویان به‌وسیله‌ی درگیر کردن و مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی، می‌تواند باعث ارتقای اعتقادات دین آنان شود.

برگزاری جلسات و فعالیت‌های گروهی می‌تواند موجب تعامل بیشتر دانشجویان با علمای دینی، به‌ویژه با توجه به ویژگی‌های محیط دانشگاه‌ها، ایجاد فضای تعاملی و توأم با صمیمیت و دوستی می‌تواند، موجب رشد و توسعه‌ی دین‌داری گردد.

سازگاری میان دوره‌های آموزشی و نیازهای روز دانشجویان (نیازسنجی اقتضایی) از عوامل مؤثر در ایجاد هویت دینی است.

شایان ذکر است که نهادهای دینی و فرهنگی در اماکن ورزشی و محل برگزاری دروس عملی دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی هیچ‌گونه حضور فعالی ندارند و این خود زمینه‌ساز شکاف میان دانشجویان ورزشکار و مسائل دینی شده است.

تشکر و قدردانی

از همه‌ی دانشجویان رشته‌ی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه ایلام که در این پژوهش ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

- انصاری‌نژاد، نصرالله و رستگار، شیرین؛ «تأثیر گوش دادن به موسیقی بر هوش معنوی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال»؛ ایده‌های نوین روانشناسی، دوره‌ی ۱۳، شماره‌ی ۱۷، ۱۴۰۱ ش.
- خالدیان، محمد؛ ارجمندکرمانی، رؤیا؛ امینی، پروین؛ «اثربخشی آموزش معنویت با تأکید بر آموزه‌های دین مبین اسلام، بر تاب‌آوری و سازگاری اجتماعی در افراد وابسته به مواد»؛ سلامت اجتماعی و اعتیاد، سال ۵، شماره‌ی ۸، تابستان ۱۳۹۷ ش.
- خشنود، حسین؛ کهنساری، رضا؛ میریان آکندی، سید احمد؛ فلاح، ابراهیم؛ «کارکرد باورهای اعتقادی (توحید- معاد) بر رفتار فردی»؛ قرآن و طب، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۵، ۱۳۹۸ ش.
- رشیدزاده، عبدالله؛ «اثربخشی آموزش برنامه مبتنی بر معنویت و آموزه‌های اسلامی بر اضطراب و تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان»؛ مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۵، شماره‌ی ۱ (۱۴)، ۱۳۹۹ ش.
- رضایی، شمس‌الدین، تراوش؛ «تحلیل محیطی و تدوین راهبردهای توسعه ورزش دانشجویی»؛ پژوهش در ورزش تربیتی، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۱۹، ۱۳۹۹ ش.
- ذوقی‌پایدار، محمدرضا؛ محمودی، زینب؛ نبی‌زاده، صدف؛ «پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی بر اساس هوش معنوی و هوش اخلاقی دانشجویان»؛ مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۱۱، شماره‌ی ۲۱، ۱۳۹۶ ش.
- سهرابی، فرامرز و ناصری، اسماعیل؛ «هوش معنوی و مقیاس‌های سنجش آن»؛ تهران، آوای نو، ۱۳۹۱ ش.
- صمدی، پروین؛ «هوش معنوی»؛ اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۳ و ۴، ۱۳۸۵ ش.
- غباری بناب، باقر؛ «هوش معنوی»؛ اندیشه نوین دینی، شماره‌ی ۱۰، ۱۳۸۶ ش.
- قزوینه، محمدحسین؛ تجاری، فرشاد؛ زارعی، علی؛ «بررسی روابط علی هوش هیجانی و هوش معنوی با اثربخشی مربیان ورزش: نقش واسطه‌ای خودکارآمدی»؛ مطالعات روانشناسی ورزشی، سال ۸، شماره‌ی ۲۹، ۱۳۹۸ ش.
- طاهری‌سده، فهیم؛ شیانی نوقانی، ابوالفضل؛ نقاش، آرمین؛ «اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر اضطراب و خود‌کنترلی (مطالعه‌ی موردی: دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول منطقه لنجان)»؛ ایده‌های نوین روانشناسی، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۱۶، ۱۴۰۱ ش.
- محمدنژاد، حبیب؛ بحیرایی، صدیقه؛ حیدری، فائزه؛ «مفهوم هوش معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلام»؛ فرهنگ در دانشگاه آزاد اسلامی، سال ۱۳، شماره‌ی ۲، ۱۳۸۸ ش.
- مهرابی، ابراهیم؛ «اقتراحی (پیشنهادی) در متافیزیک هوش معنوی در اسلام»؛ انسان‌پژوهی دینی، سال ۱۰، شماره‌ی ۲۹، ۱۳۹۲ ش.
- نخعی، سمیه؛ قادرسارانی، راضیه؛ روزرخ، زهرا؛ میر، عباس؛ «تأثیر خواندن داستان‌های قرآنی بر روی مهارت‌های ارتباطی، هویت دینی و تاب‌آوری دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه‌ی اول شهرستان زابل»؛ ایده‌های نوین روانشناسی، سال ۱۳، شماره‌ی ۱۷، ۱۴۰۱ ش.
- نیازآذری، مرضیه و خسروآبادی، سهیلا؛ «تبیین اهمیت هوش معنوی و خودکارآمدی مدیران در عرصه‌ی

رقابت جهانی؛ آینده‌پژوهی مدیریت، سال ۲۵، شماره‌ی ۱۰۱، ۱۳۹۳ ش.
 • ورمزیاری، زهرا و گل‌پور، رضا؛ «اثربخشی آموزش شفقت به خود بر خودانتقادی و خودکارآمدی اجتماعی دانش‌آموزان دختر مبتلا به اضطراب امتحان»: ایده‌های روانشناسی، دوره‌ی ۱۳، شماره‌ی ۱۷، ۱۴۰۱ ش.

- Allport, G.W & Ross, J. Mpersonal religious orientation and Prejudice, Journal of personality and social psychology, No. 5, (1967), PP: 423 – 443.
- Amram, Y. Intelligence beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership”, Thesis, Institute of Transpersonal Psychology. (2009), P: 32.
- Anisa T, Miranda Sh. How Does Exam Anxiety Affect the Performance of University Students? Mediterranean Journal of Social Sciences, Vol. 2, No. 2, (2011), 93- 100.
- Elsalem L, Al-Azzam N, Ahmad A, Obeidat N, Sindiani AM. et al. Stress and behavioral changes with remote E-exams during the Covid-19 pandemic: A cross-sectional study among undergraduates of medical sciences, Annals of Medicine and Surgery, No. 60, (2020), PP: 271–279
- Emmons, R. A. Spirituality and intelligence: Problems and prospects, The international Journal for the Psychology of Religion, Vol. 10, No. 2, (2000), PP: 57- 64.
- Gregor, A. Examination anxiety: Live with it, control it or make it work for you? School Psychology International, No. 26, (2005), PP: 617 – 635.
- Harris H L, Coy DR. Helping Students Cope with Test Anxiety. ERIC Digest.2003.p: 4. [Internet]. [Cited 2003]. Available from:www.eric.ed.gov/ERICWebPortal/recordDetail?accno=ED479355.
- Hernandez E. Music to decrease anxiety in college students during the COVID-19 pandemic, The Arts in Psychotherapy, No. 80, (2022), 101953,
- Jason P. Martens, Bastiaan T. Rutjens Spirituality and religiosity contribute to ongoing COVID-19 vaccination rates: Comparing 195 regions around the world, Vaccine, No. X 12, (2022), 100241.
- Karimi Aliabadi P, Zabihi Zazoly A, Sohrab M, Neyestani F, Naari N & et al. The role of spiritual intelligence in predicting the empathy levels of nurses with COVID-19 patients, Archives of Psychiatric Nursing, No. 35 (2021), P: 658–663
- King, D. B. Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model and measure. Canada: Master’s Thesis, Trent University, (2008), P: 43- 45.
- Noah, P, Jillian, A. Theoretical Considerations of Spirit and Spirituality in Music Therapy. Music Ther Perspect, Vol. 32, No. 2, (2014), PP: 118- 128.
- Poormana S. G., Mastorovich M. L. & Gerwick M.. Intervention for test anxiety: How faculty can help. Teaching and learning in nursing, Vol. 14, No. 3, (2019), 186- 191.
- Schaefer A, Matthess H, Pfitzer G, Köhle K. Mental health and performance of medical students

with high and low test anxiety. *Psychotherapy Psychosomatic Medical Psychology*, Vol. 57, No. 7, (2007), PP: 289- 297.

- Sharifnia AM., Fernandez R., Green H. & Alananzeh I. Spiritual intelligence and professional nursing practice: A systematic review and meta-analysis, *International Journal of Nursing Studies Advances*, NO. 4, (2022), 100096.
- Veenman, M. Test anxiety and metacognitive skillfulness. *Developmental and educational psychology, Social and Behavioral Sciences*, university of Leiden, (2008), P: 77
- Zeidner M. Test anxiety in educational contexts: Concepts, findings, and future directions. In: Schutz PA, Pekrun R (Eds.), Boston: Elsevier Academic Press. *Emotion Educ* (2007), PP: 165-184.